

## با حکیم خندان\*

محمد رضا نصیری\*

از روزی که تفکر اسلامی - ایرانی با یورش‌های پی‌درپی سلطان محمود غزنوی، وارد شبه‌قاره هند شد، زبان فارسی نیز در سرزمین پر راز و رمز هند، جا خوش نمود و در اندک مدتی قابلیت و ظرافت خود را نشان داد و با روح لطیف و نازک‌خیالی مردمان این دیار موافق افتاد و رونق یافت و حکومت‌های مستقلی چون غوریان، ممالیک، خلجیان، تغلقیان سادات و لودیان به‌حمایت از دانشمندان، صوفیان، هنرمندان، شاعران، و بازرگانان برخاستند، و چون در اوایل قرن هفتم هجری ایران عرصه تاخت‌وتاز سپاهیان مغول شد و مراکز تمدن آن روزگار، تخریب و غارت گردید، اهل قلم که در جست‌وجوی مکانی امن بودند، به شبه‌قاره هند و آسیای صغیر روی آوردند و هرکدام در پناه حکمرانی، فعالیت‌های علمی و ادبی خود را از سر گرفتند. جلال‌الدین فیروزشاه خلجی، که مردی صاحب‌دل و هنرشناس بود، از صاحبان اندیشه و هنر سخت‌حمایت نمود. پادشاهان غوری، علی‌رغم ستمکارهایشان به‌تکریم و حمایت اندیشمندانی چون محمد عوفی و امام فخر رازی برخاستند. در زمان پادشاهان گورکانی هند چون بابر، اکبر، جهانگیر، شاهجهان، داراشکوه، و اورنگ‌زیب، محیط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی از هر لحاظ آماده پذیرش اهل قلم و هنر گردید. علاقه و دلبستگی بیش از حد پادشاهان و دولتمردان به‌زبان و فرهنگ ایرانی سبب شد، که آثار قابل توجهی در

---

♦ این یادداشت در زمان حیات استاد عابدی به‌عنوان پیشگفتار کتاب «زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی پروفیسور سید امیر حسن عابدی» نوشته شده است.  
\* قائم مقام انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تیرماه ۱۳۸۱ ه.ش.

زمینه‌های مختلف علوم عقلی و نقلی تألیف شود. حکمرانان قطب شاهیه، عمادشاهیه، عادل‌شاهیه، نظام‌شاهیه و بریدشاهیه که از حامیان شعر و ادب فارسی بودند، با اهل فضل و هنر جلیس و هم‌زبان شدند و بدین‌گونه بود که زبان و ادب فارسی، که روزگاری از لاهور و دهلی و آگره فراتر نمی‌رفت، از سند و کشمیر و پنجاب و دکن، بهار، بنگال، گجرات، راجستان، کرناٹک، حیدرآباد سر درآورد، و در ایالت‌ها و ولایت‌ها، انجمن‌ها، مدرسه‌ها، خانقاه‌ها و کتابخانه‌ها تأسیس گشت. دربار حکمرانان، راجه‌ها، صفدرها، محلّ تجمع نویسندگان و هنرمندان گردید، و صدها عارف و شاعر و نویسنده چون هجویری، امیرخسرو دهلوی، حسن سجزی دهلوی، عهدی شیرازی، میرعزیزالله عزیزی، عنایت‌الله کاتب، غزالی مشهدی، غباری، غیرتی شیرازی، غیبی شیرازی، فارغی شیرازی، فکری مشهدی، مرادی استرآبادی، مقصود قزوینی، غنی کشمیری، بیدل، جوای کشمیری، سابق اصفهانی، میرزا محمدعلی تبریزی، ابوطالب همدانی، محمدطاهر کشمیری، حکیم کاشانی، میرمعصوم کاشانی و... مورد نوازش و تشویق قرار گرفتند و چنین شد که این قندِ پارسی تا بنگاله رفت، و حدیث عشق سر داد و بهر خانه‌ای که پا نهاد، خوش نشست: دربار امپراتوران را درنوردید، به میان توده مردم رفت و در دل مردم فهیم و باذوق هند جا گرفت و مأنوس شد و اشعار شاعرانی چون فردوسی، سعدی، حافظ، امیرخسرو، حزین، بیدل، غالب و... ورد زبان‌ها شد. سردرها با اشعار نغز فارسی تزیین یافت. ساقیان شیرین‌زبان با نغمه‌های جادویی به‌ترنم اشعار فارسی برخاستند. اگرچه با رواج زبان اردو از اواخر قرن دوازدهم هجری گسترش آن از قرن سیزدهم قلمرو زبان فارسی در هند تنگ‌تر گشت، ولی همچنان جایگاه خود را به‌عنوان زبان برتر حفظ کرده‌بود. با حضور استعمارگران و دخالت بیگانگان در سرنوشت ملت هند و از بین رفتن حامیان اهل فضل و قلم، وضع دگرگون شد. امروز، زبان و ادب فارسی در آن سوی مرزها چون چراغی است که سوسو می‌زند. کتابخانه‌هایی که روزگاری فخر عالم بود و مملو از مشتاقان زبان و ادب فارسی، اینک خلوتگه رندان است. درست است که زبان فارسی زبان عموم مردم نبوده است، و این زبان به‌دلایل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به‌دربارهای امیران و راجه‌ها راه یافت و رشد کرد، اما بدون تردید آثار این‌گونه حمایت‌ها و نوازش‌ها به‌توده مردم برمی‌گشت.

مدارسی که زبان فارسی تعلیم می‌داد، نغمه‌هایی که جوانان شوریده‌حال سر می‌دادند، دواوینی که دست به‌دست می‌گشت و در خلوت و جمع خوانده می‌شد، سینه‌هایی که پر از اشعار شاعران بی‌بدیل آن روزگار بود، و یا خطاطان و نسخه‌پردازان و تذهیب‌کارانی که شبانه‌روز به‌کار مشغول بودند، و نسخه‌های بدیع می‌آفریدند - که امروزه زینت‌بخش کتابخانه‌های سراسر جهان است - علاقه مردم عادی را به زبان فارسی نشان می‌دهد، و مروری در فهرست کتابخانه‌های هند، ما را با صدها هزار نسخه خطی فارسی آشنا می‌سازد، در بایگانی‌های رسمی دولت هند میلیون‌ها سند فارسی حفاظت می‌شود، موزه‌ها و کتابخانه‌های شخصی، مملو از آثار ادب فارسی است و شهری نیست، که در آن سردری یا کتیبه‌ای به زبان فارسی نباشد. هنوز هم در زبان هندی هزاران واژه فارسی وجود دارد که روزانه ورد زبان است، اما در مسیر تاریخ، سرنوشت زبان و فرهنگ فارسی هم، همانند سایر شئون اجتماعی دستخوش تغییر و تحول شده است. اگر روزی درباره‌ها محفل آمد و رفت بزرگان ادب فارسی بود و عارفانی چون هجویری، خواجه معین‌الدین چشتی، خواجه قطب‌الدین بختیار کاکلی، شیخ جمال‌الدین قزوینی، میرسیدعلی همدانی، امیرخسرو دهلوی، شاه طاهر، محمد عوفی، حزین و... مورد حمایت و عنایت قرار می‌گرفتند و سخنان این بزرگ‌مردان را به زر ناب می‌خریدند، اینک نه تنها این‌گونه سخن‌ها خریداری ندارد، بلکه نام‌آور و نان‌آور هم نیست.

تحولات جهانی، نیاز به تکنولوژی جدید، زبان فارسی را که تا آن زمان به‌عنوان زبان فرهنگی، علمی و اداری مورد توجه بود، به تدریج از رونق انداخت و چون جنبه اقتصادی نداشت، سخت و امانده شد. اما باین‌همه، با همّت افرادی چون نذیر احمدها و عابدی‌ها، زبان و فرهنگ فارسی هنوز از نفس نیفتاده است. تلاش مستمر و عشق و علاقه این عزیزان در احیای آثار به‌جامانده از زبان فارسی در شبه قاره هند، ستودنی است.

تا همّت خدمتگزاران زبان و ادب فارسی در آن سوی دریاها هست، زبان فارسی حرفی برای گفتن خواهد داشت. احیای آثار دانشمندان و نویسندگانی که در عرصه ادب فارسی دست به‌قلم برده‌اند، نه تنها ما را در تحقیقات علمی و ادبی معاصر رهنمون

خواهد شد، بلکه از لحاظ شناخت آثار حوزه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره مؤثر خواهد بود.

در روزگار ما استاد عابدی از جمله مردانی است که عاشقانه در این راه قدم برداشته است، تلاش و همت او در نشر متون کهن فارسی ستودنی است. استاد برای تقویت بنیه علمی خود و درک محضر استادان صاحب‌نام به ایران سفر نمود و در سال ۱۹۵۵ م/۱۳۳۴ ه.ش، در دوره دکتری ادبیات فارسی دانشگاه تهران ثبت‌نام کرد و به تحصیل پرداخت. پس از اخذ مدرک دکتری، به هند برگشت و در دانشگاه دهلی به تدریس زبان فارسی و اردو پرداخت. در سال ۱۹۵۸ م/۱۳۳۷ ه.ش، مجله آهنگ را سرپرستی نمود و در سال ۱۹۶۹ م/۱۳۴۸ ه.ش، چون کرسی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه دهلی دایر شد، دکتر عابدی با رتبه استادی، به ریاست شعبه فارسی و عربی دانشگاه دهلی برگزیده شد و در توسعه گروه از هیچ تلاشی دریغ نرمود. وی علاوه بر تدریس در دانشگاه‌های هند، ریاست کمیته مطالعات فارسی و عربی در سازمان مرکزی تعلیمات دبیرستانی دهلی را هم بر عهده داشت و در هیئت مشورتی مؤسسه مطالعات و تحقیقات فارسی کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) ایالت بهار هند، در هیئت مطالعات فارسی دانشگاه‌های بنارس، پتنا، گجرات، بهوپال، عثمانیه حیدرآباد، پنجاب، جامعه ملی اسلامی، دهلی و کمیته خرید آثار هنری و ادبی موزه ملی هند عضویت داشت.

در سال ۱۹۷۲ م/۱۳۵۱ ه.ش در سالگرد روز آزادی هند، از طرف رئیس جمهوری وقت هند از استاد عابدی به پاس خدمات وی در گسترش زبان و ادب فارسی، در هند تقدیر شد، و در سال ۱۹۷۵ م/۱۳۵۴ ه.ش حکومت ملی هند نیز جایزه ساهیتة کلپرشاد را به ایشان اهدا نمود و دانشگاه دهلی نیز پس از سبک‌دوشی (بازنشستگی) عنوان استاد ممتاز، را به او اعطا کرد و سرانجام در سال ۱۹۹۶ م، در سمینار بین‌المللی استادان زبان فارسی سراسر هند، که در احمدآباد برگزار شده بود، عنوان «پدر زبان فارسی» به وی داده شد.

استاد در آن جلسه با بیانات نصیحت‌گونه، خطاب به حاضرین فرمودند:

”عزیزان برای زبان و ادب فارسی پدر و مادر نتراشید، بروید تحقیق کنید، مطالعه کنید، در این میان وظیفهٔ جوانان سنگین‌تر از دیگران است، بکوشید و این میراث فرهنگی را دریابید و حفظ کنید، امانتی است پیش شما“.

استاد در طول عمر پربار خود، ضمن مطالعه و تحقیق در متون کهن ادب فارسی، در همایش‌های جهانی که در ایران، لبنان، سوریه، افغانستان، ترکیه، روسیه، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان و عراق برگزار شده بود، فعالانه شرکت نموده‌اند.

از استاد آثار متعددی به چاپ رسیده است، از جمله می‌توان به‌گزار حال، مثنویات فانی کشمیری، جوگ بَشست، سوز و گداز، منتخب اللطایف، داستان پدماوت، تاریخ سلاطین صفویه، پنج کیانه، ضمیمهٔ تعلق‌نامهٔ امیرخسرو دهلوی، احوال و آثار کلیم کاشانی، عصمت‌نامه، تصوّف در هند، دریای اسما اشاره نمود. از استاد بیش از ۲۵۰ مقاله در زمینه‌های مختلف زبان و ادب فارسی در مجلات و نشریات داخل و خارج، یادبودنامه‌ها و یادواره‌ها، به چاپ رسیده است.

استاد در طول عمر پربار خود، همواره تلاش نموده است که با قلم و قدم، نگهبانی صادق، سخت‌کوش و دلسوز برای زبان و ادب فارسی باشد. بی‌مزد و منت عاشقانه به زبان فارسی عشق می‌ورزد، سبک‌دوشی (بازنشستگی) وی دلیلی بر کناره‌گیری استاد از فعالیت‌های علمی نبوده است؛ توانمندتر از همیشه کار نموده است و هیچ‌گاه از تعلیم و تعلّم - که از ویژگی‌های بارز و شخصی او است - بازمانده است.

محفلی نیست که سخن از زبان فارسی باشد و استاد در آن محفل حاضر نباشد. گاهی در حیدرآباد و احمدآباد و زمانی در بنارس و پتنا و روزی دیگر در بمبئی و کلکته و علیگر است: از شهری به شهری، از ایالتی به ولایتی سفر می‌کند، به کتابخانه‌ها سر می‌کشد، در هر گوشه‌ای از هند اگر خبر از نسخه‌ای ناشناخته گرفته باشد، بدانجا می‌شتابد و مشتاقانه به تحقیق می‌پردازد. حافظه‌ای قوی دارد، هرچه می‌بیند و یا می‌شنود و یا می‌خواند، به یاد می‌سپارد. اطلاعات عمیق و تواضع و فروتنی و فضایل اخلاقی استاد از او چهره‌ای دوست‌داشتنی و قابل احترام ساخته است. استاد قلندرانه زندگی می‌کند و از ریا و دروغ که عادت مردم روزگار ماست، به شدت پرهیز دارد. خوش‌بین، صریح‌اللهجه، گشاده‌رو و گشاده‌دست است. دوستدارانش همواره از وی به‌عنوان

انسانی شریف، فروتن، نرم‌خو و دوست‌نواز یاد کرده‌اند. بدون تردید استاد عابدی از چهره‌های درخشان و ماندگار و انکارناپذیر ادب فارسی هستند. عمرشان طولانی و مستدام باد.

انجمن آثار و مفاخر امیدوار است، شیفتگان زبان و فرهنگ فارسی در شبه قاره هند، راه و منش انسانی وی را چراغ راه زندگی فرهنگی و اجتماعی خود قرار دهند، و مشعل فرهنگ و زبان فارسی را همچنان فروزان نگاه‌دارند.